

سلامت و رفاهیت



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

عنوان

بررسی اثربخشی آموزش راهبردهای مرورذهنی و بسط معنایی بر عملکرد یادآوری مفاهیم در دختران
کم توان ذهنی خفیف

استاد راهنما

دکتر شهلا پزشک

استاد مشاور

دکتر حمید علیزاده

استاد داور

دکتر پرویز شریفی در آمدی

دانشجو

فاطمه عاطفی

زمستان 1390

تقدیم

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم پدر و مادری فداکار نصیبم ساخته تا در سایه درخت پر بار
وجودشان بیاسایم و از ریشه آنها شاخ و برگ گیرم و از سایه وجودشان در راه کسب علم و دانش
تلاش نمایم.

والدینی که بودنشان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم چرا که این دو وجود پس
از پروردگار مایه هستی ام بوده اند، دستم را گرفتند و راه رفتن در این وادی زندگی پر فراز و نشیب را
آموختند.

و آموزگارانی که برایم زندگی، بودن و انسان بودن را معنا کردند.

حال این برگ سبزی است تحفه درویش تقدیم آنان....

تقدیر و تشکر

پروردگار خلق و خداوند کبریا

شکر و سپاس و منت و عزت خدای را

رزاق بنده پرور و خلاق رهنما

دادار غیب دان و نگهدار آسمان

نگارنده بر خود می‌داند که از زحمات بی‌دریغ و راهنمایی‌های ارزشمند استاد راهنما سرکار خانم دکتر

شهلا پزشکی و رهنمودهای مداوم استاد مشاور جناب آقای دکتر حمید علیزاده در راستای انجام این

پایان‌نامه تشکر و قدردانی نماید.

هم چنین از جناب آقای دکتر پرویز شریفی درآمدی که زحمت داوری این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند

قدردانی می‌نماید.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش راهبردهای مرورذهنی و بسط معنایی بر عملکرد یادآوری مفاهیم در دختران کم توان ذهنی پایه دوم مقطع پیش حرفه ای شهر تهران انجام شد. جامعه مورد مطالعه این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر کم توان ذهنی خفیف بودند که در سال تحصیلی 1390-1391 در مدارس آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران در پایه دوم پیش حرفه ای تحصیل می کردند. به منظور تعیین اعضای نمونه، با استفاده از روش خوشه ای چند مرحله ای، ابتدا از میان 11 مدرسه دخترانه کم توان ذهنی شهر تهران دو مدرسه انتخاب شد و سپس از این مدارس تعداد 24 دانش آموز آموزش پذیر مقطع دوم پیش حرفه ای با دامنه سن تقویمی 12-18 سال انتخاب شدند و به طور تصادفی در سه گروه 8 نفری (1. گروه کنترل، 2. گروه آزمایشی اول یا مرورذهنی، 3. گروه آزمایشی دوم یا بسط معنایی) تقسیم شدند. راهبردهای مرورذهنی و بسط معنایی طی 6 جلسه آموزش انفرادی آموزش داده شد. مفاهیم مورد استفاده پژوهش از کتاب علوم پایه اول پیش حرفه ای با نظر استاد راهنما و مشاور انتخاب گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده های آماری از تحلیل واریانس (*ANOVA*) با نمرات اختلافی و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. نتایج تجزیه و تحلیل آماری نشان داد، عملکرد یادآوری مفاهیم در گروه های آزمایشی بالاتر از گروه کنترل است. بنابراین فرضیه های پژوهش مبنی بر اثربخشی آموزش راهبردهای مرورذهنی و بسط معنایی بر عملکرد یادآوری مفاهیم در دختران کم توان ذهنی با 95% اطمینان تایید می گردد. علاوه بر این نتایج نمایانگر این موضوع است که، میانگین نمرات اختلافی گروه آزمایش با مرورذهنی از گروه آزمایشی بسط معنایی کمتر است، یعنی افرادی که با راهبرد بسط معنایی آموزش دیده بودند عملکرد بهتری در یادآوری مفاهیم نسبت به گروه آزمایشی مرور ذهنی داشتند.

کلید واژه: مرورذهنی، بسط معنایی، یادآوری، کم توان ذهنی آموزش پذیر

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات پژوهش
1	مقدمه
3	بیان مسئله
6	اهمیت و ضرورت
7	هدف تحقیق
8	فرضیه تحقیق
8	متغیرهای تحقیق
9	تعریف متغیرها
9	تعریف نظری
10	تعریف عملیاتی

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

11	کم توانی ذهنی
12	تعریف کم توانی ذهنی
14	طبقه بندی کم توانی ذهنی
15	• طبقه بندی بر اساس شدت حمایت های مورد نیاز
16	• طبقه بندی بر اساس هوش بهر
17	• طبقه بندی بر اساس انتظارهای آموزش پذیری
17	• طبقه بندی روانپزشکان

18 نظریه‌های حافظه
27 شناخت و فراشناخت
29 راهبردهای شناختی و فراشناختی
31 تاثیر آموزش راهبردهای یادگیری در بهبود حافظه کودکان کم‌توان ذهنی خفیف
35 راهبرد تکرار یا مرورذهنی
45 راهبرد بسط معنایی
51 پژوهش‌های مربوط به آموزش راهبردهای شناختی

فصل سوم: روش پژوهش

56 مقدمه
56 طرح پژوهش
56 ابزار تحقیق
57 جامعه آماری
57 روش نمونه‌گیری و حجم نمونه
57 فرایند اجرای تحقیق
59 روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

61 مقدمه
62 یافته‌های توصیفی
64 یافته‌های استنباطی
69 یافته‌های ضمنی

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

70	مقدمه
70	بحث و نتیجه گیری
74	محدودیت‌ها
75	پیشنهادها
75	• پیشنهادهای کاربردی
75	• پیشنهادهای پژوهشی

فهرست منابع

77	• منابع فارسی
81	• منابع انگلیسی

فهرست اشکال

20	شکل 1-2- مدل سیستم حافظه اولیه و ثانویه واگن و نورمن
23	شکل 2-2- مدل الگوی سه مرحله ای اتکینسون و شیفرتن
26	شکل 3-2- مدل نظریه سطوح پردازش کرایک و لوکهارت

فهرست جداول و نمودار

44	جدول 1-2- راهبردهای تکرار و مرورذهنی
51	جدول 2-2- راهبردهای بسط و گسترش معنایی
62	جدول 1-4- فراوانی و فراوانی نسبی سن افراد به تفکیک گروه‌های مورد مطالعه
62	نمودار 1-4- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه به تفکیک گروه‌های مورد مطالعه

- جدول 2-4- نتایج آماره‌های توصیفی نمرات گروه‌ها در یادآوری مفاهیم 63
- جدول 3-4- نتایج تحلیل واریانس *ANOVA* بین نمرات اختلافی یادآوری مفاهیم در بین سه گروه 65
- جدول 4-4- آزمون توکی برای مقایسه بین دو گروه آزمایش با راهبرد مرورذهنی و گروه کنترل مربوطه 66
- جدول 5-4- آزمون توکی برای مقایسه بین دو گروه آزمایش با راهبرد بسط‌معنایی و گروه کنترل مربوطه 67
- جدول 6-4- آزمون توکی برای مقایسه بین دو گروه آزمایش با راهبرد مرورذهنی و بسط‌معنایی 68
- جدول 7-4- آزمون توکی برای مقایسه بین دو نوع اندازه‌گیری مفاهیم در گروه کنترل 69

فصل اول

کلیات پژوهش

مطالعات مربوط به حافظه در سه دهه اخیر از توجه و غنای بسیاری برخوردار شده و حجم گسترده‌ای از مطالعات علمی و آزمایشگاهی مربوط به روان‌شناسی شناختی را در بر گرفته است. این مطالعات هم در افراد عادی و هم در افرادی که نقایص و مشکلات ذهنی دارند انجام گرفته و هر کدام بر غنای مطالب افزوده است (بدلی¹، 2000). حافظه به کودکان امکان می‌دهد از تجربه‌های گذشته خود استفاده کنند، از تجربیات فعلی سود ببرند و برای تجربه‌های جدید آماده شوند. اختلال در حافظه می‌تواند باعث تاخیر شناختی و سبب بروز مشکلاتی در اوایل کودکی، سنین مدرسه و بزرگسالی شود. اهمیت حافظه در نگهداری و بازیابی مطالب آموخته شده آشکار و بدیهی است، اطلاعات آموخته شده چندان مفید نیست مگر اینکه در آینده و در مواقعی که به آن نیاز داریم به یادآورده شوند (کرک² و همکاران، 1997، به نقل از کاکاوند، 1382). فلاول³ (1985)، حافظه را به عنوان یک نوع حل مساله می‌داند که عمل ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات را برعهده دارد. او معتقد است تحول رفتارهای راهبردی در حافظه تدریجی است و یادگیری مستلزم عوامل مختلفی از جمله به کارگیری انواع خاصی از راهبردهای شناختی⁴ است.

یکی از فرایندهای مهمی که در حافظه صورت می‌گیرد، فرایند شناختی است، که از مرحله برداشت حسی شروع می‌شود و تا بازیابی اطلاعات از حافظه درازمدت ادامه دارد (فلاول، 1985). از آن جایی که این فرایندها به دانستن و شناخت مربوط می‌شوند به آنها راهبردهای شناختی حافظه می‌گویند که به سه دسته تکرار و مرورذهنی⁵، بسط یا گسترش⁶ و سازماندهی تقسیم می‌شوند.

¹. Baddeley
². Kirk
³. Falavell
⁴. Cognitive strategy
⁵. Rehearsal
⁶. Elaboration

سوانسون^۱ (1990)، به نقل از مونتاگو^۲، (1994) اصطلاح راهبرد را به مجموعه‌ای از واکنش‌ها اطلاق می‌کند که به منظور انجام یک عمل یا حل یک مسأله سازماندهی می‌شوند. به عبارت دیگر راهبردهای شناختی به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که یادگیرنده در جریان یادگیری به منظور کمک به فرایند رمزگردانی، سازماندهی و بهره‌برداری اطلاعات مورد استفاده قرار می‌دهد و در نتیجه بر کیفیت یادگیری تاثیر مثبتی گذاشته و باعث تسهیل عملکرد فرد می‌شود (کوهل و همکاران^۳، 2011). هم چنین به نظر فلاول (پی.تا، ماهر، 1377) هدف استفاده از این روشها بهبود عملکرد حافظه از طریق آموزش صریح، استفاده مناسب و تنظیم راهبردهای شناختی است.

رشد ظرفیت حافظه مورد توجه محققان علاقمند به ویژگی‌ها و توانمندی‌های شناختی در افراد کم‌توان ذهنی است (براون، کمپیون و مورفی^۴، 1977). مطالعات مربوط به حافظه در افراد کم‌توان ذهنی به شناسایی نقایص متفاوتی مانند نقایص ساختاری (فیلیپس و نتلبک^۵، 1984، کیتمز^۶، 1987)، نقص در به کارگیری و تعمیم راهبردهای شناختی شناختی (بلمونت و باترفیلد^۷، 1971، بری و ترنر^۸، 1986، براون، الیس^۹، 1974) و فراشناختی^{۱۰} (بورکوفسکی^{۱۱}، 1985؛ کمپیون و براون، 1977) که براكسب و بازیابی اطلاعات در این افراد تأثیرمی‌گذارد (به نقل از کارلین^{۱۲} و همکاران، 2001) و هم چنین بر آموزش راهبردهای شناختی و استفاده خود به خودی همراه با نگهداری و تعمیم راهبردهای حافظه به موقعیت‌های جدید متمرکز می‌باشد (براون، کمپیون و مورفی، 1977).

۱. soanson
۲. Montague
۳. Kuhl
۴. Brown, Campion & Murphy
۵. Phillips & Nettelbeck
۶. Katims
۷. Belmont & Butterfield.
۸. Bray & Turner.
۹. Ellis
۱۰. Metamemory
۱۱. Borkowski
۱۲. Carlin

کودکان کم‌توان ذهنی ضعف در حافظه کوتاه مدت دارند و آموزش راهبردهای شناختی منجر به افزایش معنی دار فراخنای حافظه کوتاه مدت می‌شود (لومس¹ و همکاران، 2008). پژوهش‌های مختلف بیانگر آن است که دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر می‌توانند راهبردهای شناختی را بیاموزند و به طور مؤثر از این راهبردها برای بالابردن عملکرد یادآوری در کارهای حافظه استفاده کنند. براون و همکارانش (براون، کمپیون و مورفی، 1974) استفاده از راهبرد مرور ذهنی را به افراد کم‌توان ذهنی خفیف آموزش دادند و به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش این راهبردها عملکرد آن‌ها را در کارهای حافظه افزایش می‌دهد. در پژوهشی دیگر ترنر و ترلو² (1973) نشان دادند که بسط کلامی و تصویری عملکرد یادآوری افراد کم‌توان ذهنی را در تکالیف جفت‌متداعی³ افزایش می‌دهد (به نقل از انجل، نجل و دیک⁴، 1980). بنابراین آموزش راهبردهای شناختی به منظور اکتساب مفاهیم آموزشگاهی و بهبود عملکرد یادآوری از ضروریات پژوهش در زمینه شناخت و آموزش کودکان کم‌توان ذهنی محسوب می‌شود.

بیان مسأله

دانش‌آموزان کم‌توانی ذهنی اغلب به عنوان یادگیرندگان منفعل توصیف شده‌اند که نه در موقعیت یادگیری فعالانه درگیر می‌شوند و نه به فعالیت‌های پردازش شناختی می‌پردازند تا کارکردشان را در تکلیف تسهیل کنند. مریبان آموزش و پرورش ویژه اعتقاد دارند که عملکرد ضعیف و انفعال در یادگیری در افرادی که ناتوانی هوشی دارند به دو عامل مربوط می‌شود. عامل نخست عدم دانش و کنترل فراشناختی و عامل دوم مشکلات انگیزشی است. این افراد در مورد نحوه کار ذهن خود، درک اندکی دارند. آن‌ها از راهبردهای شناختی مناسب که می‌تواند عملکرد آن‌ها را تسهیل

¹ . Loomes

² . Turnure & Thurlow.

³ . Paired-associate task

⁴ . Engle, Nagel & Dick

کند آگاه نیستند، و توان شروع کارآمد، تنظیم و نظارت استفاده از چنین راهبردهایی را نیز ندارند (کله و چان^۱، 1990، ترجمه ماهر، 1372).

نقایص حافظه در افراد کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر به علت انفعال در پردازش اطلاعات، ناتوانی آنها در کنترل و خودتنظیمی رفتار و استفاده از راهبردهای شناختی می‌باشد و استفاده از راهبردهای حافظه^۲ به منظور اکتساب^۳ و بازیابی^۴ اطلاعات در افراد کم‌توان ذهنی در مقایسه با افراد عادی بسیار ضعیف است (انجل، نجل و دیک، 1980). هم چنین این افراد به طور خودانگیخته از این راهبردها به منظور بهبود عملکرد حافظه و یادآوری استفاده نمی‌کنند مگر اینکه راهکارها با شیوه خاص تنظیم و حمایت موقعیتی مناسبی برای آموزش استفاده از این راهبردها فراهم شود (کارلین و همکاران، 2001). به کارگیری راهبردهای آموزشی به منظور مطالعه و بررسی نقایص شناختی در افراد کم‌توان ذهنی بیانگر نظریه نقص کنترل درباب حافظه این جمعیت خاص است (بیلسکی و همکاران^۵، 1983). براساس این نظریه نارسایی حافظه افراد دارای ناتوانی هوشی به علت استفاده ناکارآمد و یا ناتوانی در به کارگیری راهبردهای شناختی در طی جریان یادگیری و اکتساب اطلاعات است. هم چنین پیروان این دیدگاه به اکتشاف و گسترش روشهای آموزشی مناسب به منظور بهبود عملکرد حافظه در افراد کم‌توان ذهنی پرداخته اند. بر همین اساس مطابق با تحقیقات، آموزش مرورذهنی (بروان، کمپیون، بری و ویلکوکس^۶، 1973، براون، کمپیون و مورفی، 1974 و کلاس، اشکرفت و جانسون^۷، 1973)، جفت متداعی (بورکوفسکی و وانچورا^۸، 1974) و تصویرسازی ذهنی و بسط کلامی

۱. Cole & Chan.

۲. Mnemonic

۳. Acquisition

۴. Retrieval

۵. Bilsky

۶. Wilcox

۷. Kellas, Ashcraft & Johnson

۸. Borkowski & Wanschura

(ترنر و ترلو، 1973) به کودکان کم‌توان ذهنی عملکرد یادآوری آنها را در کارهای حافظه افزایش می‌دهد (انجل و نجل¹، 1979).

یکی از یافته‌های بسیار مهم در بررسی ویژگی‌های شناختی افراد کم‌توان ذهنی در مقایسه با افراد عادی آن است که وقتی مجموعه‌ای از تکالیف به افراد عادی و کم‌توان ذهنی ارائه می‌گردد و از آنان خواسته می‌شود که مطالب موجود، در این زمینه را به یاد بیاورند عملکرد افراد کم‌توان ذهنی پایین‌تر از افراد عادی می‌باشد (هالاها و کافمن، 1994، ترجمه جوادیان، 1386). پاره‌ای از پژوهش‌گران بر این باورند که علت این نارسایی مربوط به نارسایی تولید است و این نارسایی حافظه را می‌توان با استفاده از راهبردهای مناسب بهبود بخشید (بورکوفسکی و همکاران²، 1991). همکاران² (1991). به طور کلی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی به طور خود به خودی و موثر از راهبردهای شناختی استفاده استفاده نمی‌کنند، با این حال می‌توان راهبردها را به منظور بهبود عملکرد در تکالیف مربوط به حافظه و حل مساله به این افراد آموزش داد (هوگس و راج³، 1989، مریل⁴، 1990، به نقل از هوارد⁵، 2006). بدین جهت در اکثر تحقیقات تحقیقات تجربی اخیر بر توانایی‌های حافظه افراد کم‌توان ذهنی به آموزش راهبردهای شناختی و فراشناختی مانند مرورذهنی و سازماندهی اطلاعات در جهت بهبود حافظه این جمعیت خاص توجه شده است (کارلین و همکاران، 2001 و بیکو و لوهازگ⁶، 1998، به نقل از هوارد، 2006).

از این رو پژوهش حاضر بر اثربخشی آموزش راهبردهای مرور ذهنی و بسط معنایی در بهبود عملکرد یادآوری مفاهیم در دختران کم‌توان ذهنی خفیف تأکید دارد.

¹. Engle & Nagle

². Borkowski

³. Hughes & Rusch

⁴. Merrill

⁵. Heward

⁶. Bebeko & Luhaorg

اهمیت و ضرورت تحقیق

دردوران رشد عملکرد حفظ کردن به تدریج تقویت می‌شود، در کنار تغییراتی که با افزایش سن کودک در حیطه ظرفیت حافظه اتفاق می‌افتد راهبردهای حافظه مانند مرورذهنی، سازماندهی و بسط‌معنایی تحول و گسترش می‌یابند (لومس و همکاران، 2008). و این بهبود در فرایندهای حافظه و عملکرد یادآوری در مورد افراد مبتلا به نقایص شناختی نیز وجود دارد (لیفشیتز و همکاران¹، 2011).

دانش‌آموزان کم‌توان‌ذهنی مشکلات شناختی متعددی دارند آنها در استفاده از راهبردهای حافظه عملکرد ضعیفی دارند و به طور خود به خودی نمی‌توانند از راهبردهای شناختی مانند مرورذهنی و بسط‌معنایی به نحوی که موجب تسهیل یادگیری می‌شود، استفاده نمایند. علاوه بر این دانش‌آموزان کم‌توان‌ذهنی اطلاعات را بسیار کند پردازش می‌کنند و در برقرار ساختن و ایجاد روابط معنادار در میان موضوعات مورد یادگیری ناتوان هستند (ازمن و گازل²، 2006). نظر به اینکه 80 تا 85 درصد از افراد کم‌توان‌ذهنی در گروه آموزش‌پذیر قرار می‌گیرند و این میزان شمار قابل توجهی از این افراد را شامل می‌شود. بنابراین پژوهشهای بیشتری در رابطه با یادگیری و استفاده از راهبردهای شناختی این کودکان ضرورت دارد.

یکی از مشکلات این گروه از جامعه در زمینه یادگیری، عملکرد ضعیف آنها در نگهداری و یادآوری اطلاعات است که این نه به دلیل نقص ساختاری سیستم حافظه آنها بلکه به دلیل عدم بهره‌گیری از فرایندهای کنترل می‌باشد (پاتون و همکاران، 1986، به نقل از یوسفی لویه، 1378). به عبارتی دیگر ناتوانی کودکان کم‌توان‌ذهنی در به کار بستن

¹. Lifshitz

². Ozmen- Guzel

راهبردهای مناسب موجب شکست آنها در حافظه کوتاه مدت می شود (گازل و ازمن، 2006 و جایاوردهانا¹، 1997). پژوهش های مختلف (باترفیلد و همکاران، 1974، اشکرافت و کلس²، 1974 و براون و همکاران، 1974، به نقل از جایاوردهانا، 1997) بیانگر این است که دانش آموزان کم توان ذهنی خفیف می توانند راهبردهای شناختی برای برنامه ریزی کردن، سازماندهی و نظارت بر موضوع مورد یادگیری و به طور کلی به منظور بهبود عملکرد حافظه را بیاموزند (ازمن و گازل، 2006). لذا جستجو برای دستیابی به راهبردهایی که به بهبود حافظه افراد کم توان ذهنی کمک کند، امری ضروری است، تا این جمعیت خاص بتوانند با به کارگیری راهبردهای شناختی ضمن این که به یادگیری خویش سرعت می بخشند، دوام و پایداری بیشتری به آموخته هایشان بدهند. هم چنین نظر به اینکه شناخت یکی از ابعاد رشد روانی است بهبود آن می تواند در انجام تکالیف تحصیلی و حرفه ای موثر بوده و باعث افزایش سازگاری و سلامت روان و در کل منجر به بهبود عملکرد حافظه در دانش آموزان کم توان ذهنی خفیف شود.

هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش استفاده از راهبردهای یادگیری مرور ذهنی و بسط معنایی در بهبود عملکرد یادآوری مفاهیم در دختران کم توان ذهنی خفیف است.

اهداف پژوهش

- 1) تعیین تأثیر آموزش راهبرد مرور ذهنی بر عملکرد یادآوری مفاهیم در دختران کم توان ذهنی خفیف.
- 2) تعیین تأثیر آموزش راهبرد بسط معنایی بر عملکرد یادآوری مفاهیم در دختران کم توان ذهنی خفیف.

¹ . Ashcraft & Kelaas
² . Jayawardhana

3) تعیین تاثیر آموزش راهبردهای مرورذهنی و بسط معنایی بر عملکرد یادآوری مفاهیم در دختران کم توان ذهنی خفیف.

فرضیه‌های تحقیق

1) بین اثربخشی آموزش راهبرد مرورذهنی بر عملکرد یادآوری مفاهیم در گروه دختران (12-18 سال) کم توان ذهنی خفیف و گروه کنترل تفاوت وجود دارد.

2) بین اثربخشی آموزش راهبرد بسط معنایی بر عملکرد یادآوری مفاهیم در گروه دختران (12-18 سال) کم توان ذهنی خفیف و گروه کنترل تفاوت وجود دارد.

3) بین اثر بخشی آموزش راهبرد مرورذهنی و بسط معنایی بر عملکرد یادآوری مفاهیم در دختران (12-18 سال) کم توان ذهنی خفیف تفاوت وجود دارد.

متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل: راهبرد مرور ذهنی و بسط معنایی

متغیر وابسته: عملکرد یادآوری مفاهیم دختران کم توان ذهنی خفیف

متغیر کنترل: هوش، پایه تحصیلی، جنسیت، سن و سالم بودن آزمودنی‌ها از نظر شنوایی، بینایی و گفتاری

تعریف مفاهیم تحقیق

الف. تعریف نظری

- کودک کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر: بر طبق DSM- IV- TR کودک کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر فردی با بهره هوشی 50-55 تا حدود 70 است. در افراد مبتلا به این سطح از عقب‌ماندگی ذهنی مهارت‌های اجتماعی و برقراری ارتباط معمولاً در طی سالهای پیش دبستانی پدید می‌آید. تا اواخر نوجوانی حداکثر تا کلاس ششم دبستان پیش می‌روند. این افراد قادرند تا رسیدن به سنین بزرگسالی مهارت‌های اجتماعی و حرفه‌ای را که برای حداقل، خودکفایی ضروری است یاد بگیرند و با حمایت مناسب می‌توانند زندگی مستقلی داشته باشند و خانواده خود را اداره کنند (سادوک و سادوک، 2007، ترجمه پورافکاری، 1388).
- راهبرد مرور ذهنی: واینستاین و هیوم¹ (1998، به نقل از سیف، 1388) راهبرد تکرار یا مرور را به عنوان تکرار فعال یک موضوع برای به خاطر سپردن آن تعریف کرده‌اند. ساده‌ترین نوع تکرار یا مرور ذهنی با هدف نگهداری یک موضوع در حافظه کوتاه‌مدت تا زمان استفاده از آن انجام می‌شود و هم‌چنین این راهبرد ما را در کوشش برای انتقال اطلاعات به حافظه درازمدت کمک می‌کند.
- راهبرد بسط معنایی: بسط معنایی روشی است برای به خاطر سپردن اطلاعات، که از آن طریق یادگیرنده بین آنچه از قبل می‌دانسته و آنچه قصد یادگیری اش را دارد پل ارتباطی ایجاد می‌کند. این کار از راه افزودن جزئیات بیشتر به مطلب تازه، خلق مثالها و مواردی برای آن، ایجاد تداعی بین آن و اندیشه‌های دیگر، و استنباط کردن درباره آن انجام می‌شود (سیف، 1388).

¹. Weinstein & Hume

تعریف عملیاتی

- کودک کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر: در این پژوهش فرد کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر دختران پایه دوم پیش حرفه‌ای با دامنه سنی 12 تا 18 سال بوده که از نظر شنوایی، بینایی و گفتاری سالم می‌باشند و مطابق با پرونده ارسالی طرح سنجش مدارس در گروه آموزش‌پذیر قرار گرفته و دارای هوشبهر 51-70 و در زمان انجام پژوهش در مدارس سازمان استثنایی موجود در شهر تهران مشغول به تحصیل می‌باشند.
- راهبرد بسط‌معنایی: راهبرد بسط‌معنایی در این پژوهش نمره‌ای است که در آن آزمودنی پس از گذراندن جلسات آموزشی از یادآوری کارت‌های آموزشی، که به صورت نوشتاری و شنیداری است، کسب می‌کند.
- راهبرد مرورذهنی: راهبرد مرورذهنی در این پژوهش نمره‌ای است که در آن آزمودنی پس از گذراندن جلسات آموزشی از یادآوری کارت‌های آموزشی، که به صورت تصویری و نوشتاری است، کسب می‌کند.